**شرح حال مرحوم وثوق الدوله**

**ملک الشعراء بهار**

شرح احوالی است از مرحوم وثوق الدوله که مرحوم ملک الشعراء بهار بخواهش‏ من مرقوم فرموده است(سال 1313 شمسی)و چون این هر دو مرد اکنون سالهاست رخت‏ از جهان برده‏اند چاپ آن را در مجلهء یغما مناسب یافتم که نگاهداری چنین یادداشت‏های‏ مفید فرسوده برای من دشوارست.خوانندگان محترم شاید بدانند که مرحوم بهار و مرحوم‏ وثوق دوستی و رفاقت و معاشرت و مشاعرت داشته‏اند.حبیب یغمائی

آقای میرزا حسنخان وثوق،سابق ملقب به وثوق الدوله بودند و پس از موقوف شدن کلیهء القاب‏ از طرف مجلس شورای ملی ایران،ایشان هم مانند سایر بزرگان و رجال مملکت لفظ(وثوق)را برای‏ شناسائی و تعرفهء خانوادگی اختیار نمودند.

آقای وثوق الدوله از خانواده‏های قدیم و محترم ایران است.جد ایشان ملقب بقوام الدوله و پدر ایشان میرزا ابراهیم خان ملقب بمعتمد السلطنه همواره مصدر خدمات عمده و مهم قلمی و استیفا که قدیم‏ آنرا وزارت میگفتند بوده و در واقع آقای وثوق وزیری است وزیر زاده و عمبدیست آزاده،و نیز از سوی مادر خواهرزادهء مرحوم مبرور میرزا علیخان امین الدوله وزیر مصلح و فاضل ایران است که بعد از امین السلطان بامر پادشاه قاجار برای اصلاح مفاسد امور و جبران خرابیهای وزرا و صدور بمسند صدرات‏ عظمی نایل آمد و اگر خائنان درباری گذاشته بودند در همان عصر اصلاحات ایران شروع شده بود و چنانکه در تواریخ مذکور است دسایس درباری نگذاشت که آن وزیر بزرگ بخیالات بلند خود برسد و خانه‏نشین شد و از قراریکه شهرت کرد در قریهء«لشت و نشا»بامر دولت وقت مسموم گردید و شهید شد.

میرزا حسنخان وثوق در ماه ربیع الاول 1292 هجری قمری مطابق آپریل 1875 میلادی‏ در طهران متولد شده و ایام صباوت واوان جوانی را در کنف حمایت و عنایت مرحوم امین الدوله تربیت‏ یافته و تحصیلات معمولهء زمان خود را از پارسی و عربی و فرانسه و ریاضی و انشا و استیفا و بالاخره حکمت‏ وقفه و اصول و ادبیات و حسن خط که از ضروریات علم و ادب و استیفای عصر محسوب می‏شد در خانهء پدری و در نزد اساتید بزرگ آنعصر طی کرده و مخصوصا دیری در زیردست مرحوم امین الدوله کار کرده و برعادت و سلیقهء آنمرحوم بار آمده و بالاخره در سن بیست و دو سالگی بعضویت وزارت مالیه‏ داخل خدمات دولتی شده و در سنهء 1324 هجری قمری که آغاز مشروطهء ایران بود بنمایندگی‏ طهران در مجلس مؤسسان معروف بمجلس شورای ملی دورهء اول انتخاب و تا آخر آندوره رئیس‏ کمیسیونی بوده که عمدهء خدمات آندورهء مجلس منوط بدان کمیسیون بود و میتوان گفت نخستین جمع‏ و خرج و تعدیل و اصلاح مالی که در ایران بعمل آمد و مبلغ عمده‏ای از مستمرات و پولهای بی‏اساس که‏ بعمر و وزید بعادت دیرینه پرداخته می‏شد و اصول گدائی و بیکاری را در کشور رواج میداد در آن‏ کمیسیون حذف،و با رعایت لزوم و عدم لزوم جرح و تعدیل گردید و رسم القطاع و تیول که موجب خرابی‏ املاک و از اصول ملوک الطوایف بود برطرف شد و پایهء غالب اصلاحات در آن کمیسیون گذارده آمد.

در مدت تعطیل مجلس و مشروطیت که از طرف پادشاه مستبد عصر محمد علی میرزا پیش آمد آقای وثوق طبعا منزوی و در همان سال مساعدتهائی بااحرار و مشروطه خواهان که خود از افراد برجستهء آن جمع بود از او بمنصهء بروز و ظهور آمد.تا در هنگام هجوم سپاهیان مشروطه بطهران و خلع و عزل محمد علی شاه از سلطنت،برپاست هیئت مدیرهء مملکت که از طرف قوای ملی انتخاب گردیده‏ بود برقرار شد و بعد از تعیین پادشاه جدید و تشکیل دولت مشروطه وانحلال هیئت مدیره مشار الیه‏ بوزارت عدلیه برقرار گردید و در انتخابات بعد از فترت ثانیا بنمایندگی طهران در مجلس دوم انتخاب‏ و از مجلس بوزارت مالیه منصوب شد و از آن پس بوزارتهای خارجه و داخله ومالیه نوبت بنوبت مأمور شد و در سال 1295 شمسی مطابق با 1335 قمری در ایام جنگ عمومی بریاست وزراء منصوب گشت و پس‏ از یکسال استعفا نمود.درین مدت اوضاع ایران بغایت مغشوش بود.دولت ایران در مجلس شورای ملی‏ 1333-1334 که جنگ عمومی آغاز شده بود اعلان بی‏طرفی کرده بود،لیکن همسایگان روسی‏ و انگلیسی و عثمانی مداخلات علنی و اقدامات عملی از قبیل وارد ساختن قشون و دسایس و تبلیغات دیگری‏ بر ضد بی‏طرفی ایران بکار بردند و نتیجه این شد که افراد حساس ایران نظر بمظالم و زورگوئی‏هائی که‏ دولت روس تزاری از چندی قبل...تا آنروز درایران معمول داشته بودند هوادار آلمان ترک شده و عاقبت افکار غالب مردم را بسوی هواداری آلمان و متحدین وی برانگیخته و در نتیجه سپاهیان روس از قزوین پایتخت ایران را تهدید کرده بعزم سرکوبی احرار و آزادیخواهان حرکت کرده و جماعتی‏ بسیار از ایران بطرف قم و اصفهان عراق و کرمانشاهان و خاک عثمانی مهاجرت ورزیده و انقلاب‏ عظیمی در تمام خاک ایران برپا گردید.و اگرچه این انقلاب در قسمت عمدهء خاک ایران بقوهء دول‏ روس و انگلیس و دولتهای ایران خاموش شد لیکن در غرب ایران هنوز برقرار در افکار مردم نیز پریشانی باقی مانده بود،تا آنکه دولت روسیه دچار انقلاب گردید-و سپاه عثمانی و مهاجرین تا همدان پیش آمدند و بار دیگر عقب نشستند و این قضایا و بازگشتن گروهی از مهاجران ایرانی از غرب‏ ایران و تشکیل حکومت سوسیالیست شوروی در روسیه و رفع مزاحمت دولت تزار اوضاع دولت‏های‏ ایران را خراب و موقع آنان را متزلزل و کارشان را مشکل کرده بود و یکی از علل استعفای آقای‏ وثوق در 1335 قمری از ریاست وزرا نیز همین علل و جهات بود.

پس از آن یکی دو سال دیگر گذشت و اوضاع وخیم‏تر گردید،قوای روس ساوتی در سرحدات ایران پیدا شد و سپاهیان انگلیس بعد از فتح بغداد بداخلهء ایران کشیده شد و از خراسان و غرب ایران وارد شده و تا رشت و سرحد شمال شرقی پیش رفتند-در ایالات و ولایات دسته‏های خودسر و یاغی یا دزد و راهزن قوت گرفتند-خزانهء ایران خالی و حکومتهای ایران هر یک یکی دو ماه‏ مصدر شغل شده و بسبب بی‏پولی و اغتشاش و نرسیدن مالیات و مداخلات اجانب و طغیان سرکشان‏ ولایات و عدم امنیت طرق مستعفی یا معزول می‏شدند،قوای نظامی ایران بکلی محو شده بود و افراد ژاندرم که بتوسط افسران سویدی تشکیل یافته بود بواسطهء شرکت آنها در مهاجرت و طرف‏ شدن با سپاهیان روس و غیره مضمحل گردیده بودند-و باحال پریشانی یکی‏یکی افسران و دستهای‏ افراد ژاندرم وارد ایران شده و باوضعی بسیار زشت میگذرانیدند،و قوائی سوای بریکاد قزاق‏ که آنهم بی‏پول و آلت استفادهء اجانب شده بود قوه‏ای برای دولت باقی نمانده بود-و سایر دوایر هم بهمین منوال خراب و مغشوش و مسؤلیت از بین رفته و رعب دولت و شاه از دلها برخاسته و احزاب‏ ملی براثر تحریکات خارجی و داخلی متشتت الرأی و بکلی حیرت و بی‏نظمی و تیره روزی در ایران‏ حکمرانی مینمود و بدین سبب بزرگان مملکت بزحمت حاضر باداره کردن امور می‏شدند.

در 1297 شمسی یعنی در بحبوحهء این انقلابات از طرف شاه ریاست وزرا بآقای وثوق مفوض گردید و ایشان هم پذیرفته تشکیل هیئت دولت دادند و مدت دو سال بکار مداومت داده و با زحمات بیشمار سر و صورتی بکارها داده و با دولت انگلیس که در آنروزها فاتح از جنگ بین الملل‏ بیرون آمده و سپاهیانش هم در ایران مقیم و مشغول طرفیت باقوای ساویت بودند،لاعلاج و نظر بمصلحت وقت قرارهائی داده و انجاز آنرا موکول بتصویب مجلس شورای ملی نمودند-و پس از دو سال اداره کردن امور و موفق شدن بامنیت کامل و تدمیر دزدان مقتدر از قبیل نایب حسین کاشانی و پسرش ماشاء اللّه خان و اصلاح طبرستان و مازندران که در صدد تجزیه بودند و اصلاح آذربایجان که‏ آنهم در صدد تجزیه برآمده بود و اصلاح گیلان که در کنف میرزا کوچک خان دم از مرکزیت و طغیان‏ میزد و جمع آوری ژاندارم که پراکنده و مضمحل شده بود از کار کنار گرفت.یگانه علت این کناره‏ جویی قوت یافتن حکومت سویت و تصرف آذربایجان قفقاز و وارد شدن در مذاکرات بامیرزا کوچک‏ خان و قصد تصرف گیلان و مازندران بود که بعد هم این سوء قصد عملی شد و اسباب خسارات زیادی‏ برای ایرانیان فراهم ساخت.باری برای پیش بینی همین مفاسد و جلوگیری از مفاسد دیگر آقای‏ وثوق کناره گرفته و در 1299 شمسی باروپا مسافرت کردند و پس از پنجسال توقف در اروپا در 1305 شمسی هجری در آغاز سلطنت علیحضرت پهلوی خلد اللّه ملکه بایران بازگشت و در دو دورهء ثقنینیه در طهران بسمت نمایندگی مجلس شورای ملی و چندی نیز بوزارت مالیه و عدلیهء مأمور شده‏ و از 1308 هجری ببعد از خدمات دولتی بطور کلی کناره جسته و باانزوا میگذرانند و در خارج شهر طهران در مزرعهء ظریفی بامر زراعت و اشتغالات ادبی و مطالعات علمی مشغول و ترک رابطه بااجتماع‏ فرسوده و بفراغت قناعت کرده‏اند.

آقای وثوق دارای ذوقی سرشار،و هوشی عالی،و عقل و دهائی موصوف و معروف،و دیداری‏ نیکو،و زبانی شیرین،و طبعی وقاد،و معلوماتی کافی در ادبیات و غالب معارف اسلامی از حکمت وقفه و اصول و عربیت،و اطلاعات زیادی در السنهء خارجه خاصه فرانسه میباشند.

در طرز و شیوهء شاعری پیرو اساتید قدیم و در این شیوهء صاحب تتبع زیاد و معلومات کثیره‏اند، معذلک در قصاید و عزل از شیرینی و لطافت فن عراقی نیز بهرهء کامل در اشعار ایشان دیده میشود، و میتوان معظم له را دارای سبکی مستقل شمرد.قصاید غرائی در مسائل اجتماعی و بث الشکوی، و غزلیاتی در احساسات عارفانه و عاشقانه،و مثنویات لطیفی در فلسفه و اخلاق گفته‏اند.بسبب آشنائی‏ باالسنهء خارجه ترجمهء بسیاری از افکار شعرای فرانسه و انگلیس و آمریکا را بنظم آورده‏اند-مخصوصا از خیالات لامارتین شاعر شیرین زبان فرانسوی قطعاتی بسیار زیبا بپارسی نقل کرده‏اند.

ما ایشان را در عمارت خود که در خارج طهران سمت جنوب شرقی دارند و در آنجا انزوا جسته‏اند ملاقات کردیم-از حسن منظره و سپیدی موی که وقر و عظمتی خاص باین شخص تاریخی‏ بخشیده بود لذت برده و بااحترام درخور از افکار و خیالات ادبی این شاعر صاحب شخصیت بهره‏مند شدیم.افسوس که دیوان مجموعی نداشتند که بتوان زیادتر از آثار عالی ایشان استنساخ نمائیم و شاید مورد هم نداشت که درین باب بیشتر اصرار ورزیم،آنچه در دسترس بود بما اهدا فرمودند و قسمتی نیز از اینجا و آنجا از مجلات و غیره بدست آوردیم و شرح حال خلاصه و موجزی هم از خود ایشان که رؤس مسائل حیاتی خود را در آن قید کرده بودند دریافت داشته-و سپس این شرح را توسط یکی از رجال ایران که آشنائی کامل با آقای وثوق داشت و برحسب خواهش ما نوشت-بدست آوردیم، و چون قصد ما فقط شناسانیدن هویت و شخصیت ادبی این مرد معروف است از بسط و اطناب در شخصیت‏ سیاسی ایشان که آنهم دارای جنبهء معتنی بهی میباشد صرف نظر گردید.